

The process of transformation and development of modern schools in Kurdistan from 1304 to 1320

Motaleb Motalebi*

Abstract

The establishment, establishment and development of new and quantitative and qualitative schools in the province of Kurdistan began with a delay of several decades compared to most of the states and provinces of Iran. Prior to the Pahlavi dynasty, schools were limited to two public schools and two national schools in the state capital. Neither the Ministry of Education nor the individuals and officials of Kurdistan made any serious efforts to establish new schools. However, in the first Pahlavi period, these schools developed a little and the new schools covered not only cities and towns but also some important rural areas. This study intends to explain the situation of education and schools in Kurdistan before the Pahlavi dynasty, the evolution and development of schools from 1304 to 1320 by descriptive-analytical method and using unpublished archival documents and the press.

The results of the research show that before the establishment of the Pahlavi dynasty, intellectual and financial bases and the establishment of new schools in the cities of Kurdistan were not available and the few measures taken in this field were limited to Sanandaj, the capital of the state. In the new era of Kurdistan, it found a special place in the cultural and political programs of the government. The new situation led to the slight development of schools in this area. The acceptance or

* Assistant Professor of History, National Library & Archives of Iran, Tehran, Iran,
motalebmotalebi@yahoo.com

Date received: 16/11/2021, Date of acceptance: 15/1/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

resistance to new schools varied in urban and rural areas, but there was no general opposition to the development of new schools.

Keywords: Traditional education . Modern schools . Reza Shah . Kurdistan

فرایند تحول و توسعه مدارس نوین کردستان از سال ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰

مطلب مطلبی*

چکیده

تأسیس و دایر شدن و توسعه کمی و کیفی مدارس نوین در ایالت کردستان با تأخیری چند دهه‌ای نسبت به بیشتر ایالات و ولایات ایران آغاز شد. تا قبل از سلطنت پهلوی مدارس این حدود منحصر به دو باب مدرسه دولتی و دو باب مدرسه ملی در مرکز ایالت بود. نه از جانب وزارت معارف و نه از سوی اشخاص و صاحب منصبان کردستان تلاش جدی برای دایر کردن مدارس نوین انجام نشد. اما در دوره پهلوی اول مدارس این حدود توسعه کمی فراوانی یافتند و مدارس نوین نه تنها در شهرها و قصبات بلکه برخی از نواحی مهم روستایی را هم پوشش داد. این پژوهش بر آن است ضمن تبیین وضعیت معارف و مدارس کردستان قبل از سلطنت پهلوی، تحول و توسعه مدارس این حدود را از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اسناد منتشر نشده آرشیوی و مطبوعات بررسی نماید.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد قبل از تأسیس سلطنت پهلوی بسترهای فکری و مالی و... تأسیس مدارس نوین در قصبات کردستان فراهم نبود و محدود اقدامات صورت گرفته در این زمینه منحصر به سنندج، مرکز ایالت بود. در دوره جدید کردستان جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های فرهنگی و سیاسی دولت یافت. موقعیت جدید سبب توسعه کمی مدارس این حدود شد. استقبال از مدارس نوین و یا مقاومت در برابر آن در نواحی شهری و قصبات و

* استادیار تاریخ، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران، motalebmotalebi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

نواحی روستایی متفاوت بود اما در کل مخالفت سازمان یافته‌ای با توسعه مدارس نوین نشد.

کلیدواژه‌ها: کردستان. آموزش سنتی. مدارس نوین. رضاشاه.

۱. مقدمه

اقتباس آموزش و پرورش نوین از اروپا یکی از دگرگونی‌های مهم ایران در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری بود. از این دوره شماری از حاکمان و دولت‌مردان برای ایجاد و توسعه مدارس نوین در شهرهای بزرگ آن روز دست به اقداماتی زدند. این رویداد مهم، از نظر صوری با تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۶۸/۱۸۵۲ آغاز شد، به تدریج در دیگر شهرهای ایران هم مدارس نوین دایر گردید. تأسیس مدارس نوین در کردستان^۱ با تأخیری تقریباً نیم سده‌ای آغاز شد. نخستین مدرسه رسمی کردستان مربوط به کلدانیان سنندج بود که در سال ۱۲۷۵/۱۸۹۶ دایر گردید. دومین مدرسه این حوزه مدرسه آلیانس بود که در سال ۱۲۸۰/۱۹۰۰ تأسیس شد. این دو به همراه مدرسه اتحاد و احمدیه تنها مدارس کردستان قبل از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹/۲۲ فوریه ۱۹۲۱ بودند. پس از کودتا و مشخصاً از سال ۱۳۰۶/۱۹۲۷ رشد کمی مدارس کردستان قابل توجه و محسوس است. چگونگی روند توسعه مدارس این حوزه و علل آن به عنوان ابهام این پژوهش قلمداد شده و سعی بر آن است که با روشی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد آرشیوی بدان پاسخ داده شود.

کتاب *پیشینه آموزش و پرورش در کردستان (از سال ۱۲۱۳ تا ۱۳۲۰)* تألیف حیرت سجادی، نخستین اثری است که به صورت مستقل به مدارس کردستان پرداخته است. این اثر بیشتر توصیف پیشگامان و مشخصات مدارس کردستان است. مقاله *واکنش اهالی کردستان به گسترش آموزش نوین در دوره رضا شاه؛ پژوهش حسین رسولی و دیگران* اشاره و تعمیم‌هایی کلی‌نگر به عدم استقبال از مدارس است. مقاله *وضعیت مدارس نوین در کردستان ایران در سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ ش؛ پژوهش محسن بهشتی سرشت و فوزیه جوانمردی* توصیفی از وضعیت آموزش و پرورش کردستان است و مطالب مربوط به مدارس نوین بسیار خلاصه و تیتروار ذکر شده است.

تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های صورت گرفته و به ویژه پژوهش اخیر که نزدیکی موضوعی، مکانی و زمانی بیشتری به مقاله حاضر دارد این است که مقاله حاضر به تفصیل

به موضوع‌هایی از جمله؛ روند تحول، چگونگی اجراء، چالش‌ها و جایگاه توسعه مدارس کردستان در سیاست‌های دولت پرداخته است که در پژوهش‌های ذکر شده مغفول مانده و یا به اشاره‌هایی گذار بسنده شده است.

۲. مکتب‌خانه‌ها و آموزش سنتی

مهم‌ترین و موثرترین مراکز آموزش در کردستان تا اواخر قرن سیزدهم هجری مکتب‌خانه‌ها بودند. این مراکز در دوره مورد بررسی هم با فراز و فرودی به حیات خویش ادامه دادند. هر چند که نمی‌توان همه آنها را از لحاظ کمی و کیفی در یک سطح جای داد و تفاوت زیادی بین مکاتب شهری و رسمی با مکاتب قصبات وجود داشت اما همه آنها در نداشتن سازمان، برنامه و روشی خاص مشترک بودند و هر یک به گونه مستقل و با پشتیبانی علما و روحانیون اداره می‌شدند. معلمان مکتب از طلاب علوم دینی بوده و از کتاب‌ها و شیوه‌های آموزشی حوزه‌های علمیه بهره می‌گرفتند. این شیوه آموزش، سال‌های متمادی بدون هیچ دگرگونی به کار خود ادامه داد و کم‌ترین توجهی نیز به دگرگونی‌های بین‌المللی و شیوه‌های آموزشی در جهان از خود نشان نداد. در اواخر سده سیزدهم هجری و با تأسیس مدارس نوین ابتدا در مراکز ولایتی و سپس در شهرها و قصبات، سیستم آموزش سنتی با چالشی جدی مواجه شد و نقش آن به تدریج در حال کم رنگ شدن بود. وجود و رونق مکاتب قدیم به میزان زیادی به مدارس نوین بستگی داشت، هر چه تعداد مدارس نوین بیشتر می‌شد استقبال از مکاتب قدیم کمتر بود و بالعکس در نواحی که مدارس نوین دائر نبود و یا مدارس موجود جوابگوی متقاضیان نبود، مکاتب قدیم رونق خویش را حفظ کردند. آموزش سنتی در کردستان همچون بیشتر مناطق کشور به سه شکل مکتب‌خانه‌ای، حوزه‌های علمیه و تدریس خصوصی در منازل بود. مکتب‌خانه‌ها بیشتر به آموزش احکام مذهبی، خواندن قرآن و صرف و نحو عربی می‌پرداختند. مدارس دینی، مخصوص طلبه‌های علوم دینی بود. شیوه تدریس خصوصی و استفاده از معلم «سرخانه» نیز جنبه عمومی نداشت.

در نبود مدارس نوین طلبه‌های این مراکز نقش زیادی در امور آموزشی و مکاتبات داشتند و جز این، راه دیگری هم متصور نبود. سران عشایر و مالکان به دلیل ضرورت ارتباط با حاکمان و نظامیان ناچار به استخدام یک نفر «میرزا» بودند. میرزا در مناطق

کردنشین کسی بود که حداقل چند سالی در حجره یکی از مدرسان و عالمان دینی درس خوانده و سواد خواندن و نوشتن داشت. این شخص نامه‌های رئیس ایل و کدخدا را می‌نوشت و نامه‌های وارده را برای وی می‌خواند و در سفر به نواحی شهری معمولاً همراه وی بود. جدای از این کار و در همان منزل به فرزندان وی هم آموزش می‌داد. (نووری، ۲۰۰۶، صص ۷-۲۴) این شیوه آموزش نتایج ملموسی نداشت و در بهترین حالت دانش‌آموزان مختصر سواد خواندن و نوشتن پیدا می‌کردند. مکتب‌خانه‌ها روش یکسانی برای آموزش نداشتند و زیر نظارت دولت فعالیت نمی‌کردند. کلاس‌ها در مساجد، تکایا، منازل معلمان و... تشکیل می‌شد و معلم‌های آن از معلومات و سواد کافی برخوردار نبودند و همان معلومات را با روشی درست که سبب ایجاد علاقه در بین طلبه‌ها شود منتقل نمی‌کردند. با این وجود در دهه نخست سلطنت رضاشاه رونق خویش را حفظ کرده و اقبال مردم به آنها زیاد بود. در سال ۱۹۲۸/۱۳۰۷ کردستان در مجموع دارای ۴۱ مکتب‌خانه فعال بود که جمعا ۵۵۰ طلبه مشغول تحصیل بودند. (ساکما، ۲۹۷/۱۰۲۵۱، ص ۶) با وجود حفظ رونق نسبی مکتب‌خانه‌ها، در دوره رضاشاه، ناسازگاری بین دو شیوه و در واقع بین دو نظام آموزشی قدیم و جدید وجود داشت و در نهایت به دخالت دولت انجامید. در سال ۱۹۳۷/۱۳۱۶ یکی از راه‌های توسعه کمی مدارس، تبدیل مکاتب قدیم به دبستان تشخیص داده شد و در همین راستا ادارات معارف ایالات و ولایات ملزم شدند، مکتبداران را وادار نمایند؛ طبق مقررات وزارت معارف «مکاتب خود را بصورت دبستان درآورند» در مقابل ادارات معارف هم وظیفه داشتند «برای مساعدت با صاحبان مکاتب تقاضای صدور امتیاز دبستان برای آنها صادر کنند تا دبستان‌های خود را تأسیس نمایند.» (روزنامه کوشش، ۱۳ فروردین ۱۳۱۶ شماره ۷۰، ص ۲) در نتیجه دگرگونی‌های بسیار، مقدمات خروج تدریجی نظام مکتب‌خانه‌ای در این دوره فراهم شد اما به صورت کامل حذف نگردید و در دوره‌های بعد به صورت حاشیه‌ای و کم رنگ به حیات خود ادامه داد.

۳. معارف و مدارس نوین کردستان تا سلطنت رضاشاه

نخستین مدرسه نوین کردستان مدرسه کلدانی بود، این مدرسه در سال ۱۸۹۶/۱۲۷۵ با تلاش کشیش ابو الواحد دائر شد. (سالنامه معارف کردستان، ۱۳۱۶: ۲۴) مدرسه بعدی آلیانس بود که در سال ۱۹۰۰/۱۲۸۰ از سوی موسسه آلیانس دائر شد. در سال ۱۹۰۷/۱۲۸۶ مدرسه

معرفت با مشارکت فتح‌الملک اردلان و شخصی با نام معرفت تأسیس شد این مدرسه فقط یک سال فعالیت داشت و پس از آن تعطیل گردید. در سال بعد مدرسه سالاری از سوی حکمران کردستان دائر شد که عمر آن فقط هفت ماه بود و پس از عزل حکمران مدرسه هم تعطیل شد. (سالنامه معارف کردستان، ۱۳۱۶: ۲۵) پس از تعطیلی این دو مدرسه شش سال طول کشید که مدرسه دیگری در کردستان دائر گردد. در سال ۱۹۱۴/۱۲۹۳ و در دوره حکمرانی سردار محیی مدرسه احمدیه تأسیس شد. (سالنامه معارف کردستان، ۱۳۱۶: ۲۶) تا این تاریخ تمامی مدارس نوین کردستان در مرکز ایلات دائر شده بودند و سایر مراکزی شهری این ایالت فاقد مدرسه نوین بودند، نخستین مدرسه سقز در سال ۱۹۱۷/۱۲۹۶ با نام «احمدیه» از سوی جمعی از تجار این شهر دائر شد اما دوام زیادی نداشت و در سال ۱۹۱۹/۱۲۹۸ تعطیل شد. (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ۱۳)

در سال ۱۹۱۸/۱۲۹۷ از سوی حاجی نصیرالاسلام مدرسه اتحاد در سنندج تأسیس شد. (سالنامه معارف کردستان، ۱۳۱۶: ۲۶) بنابراین در آستانه کودتا و قدرت‌گیری سردار سپه، کردستان در مجموع چهار مدرسه فعال داشت. که همه آنها در سنندج، مرکز ایالت فعالیت داشتند. مدرسه اتحاد و مدرسه احمدیه، دولتی و زیر نظر وزارت معارف و مدرسه آلیانس و مدرسه کلدانیان، ملی و مربوط به اقلیت‌های دینی بودند. آنچه که در حوزه مدارس نوین کردستان قابل توجه است نقش و حضور کم‌رنگ مدارس ملی است. کردستان که برای چند قرن محل حکمرانی موروثی والیان اردلان بود و از این نظر انتظار می‌رفت که افراد صاحب نام این خطه همپای سایر نواحی کشور به تأسیس مدارس ملی اقدام نمایند اما اقدام موثر و مستمری در این زمینه صورت نگرفت و نقش مدارس ملی این ایالت بسیار کم‌رنگ باقی ماند. در حالی که در سایر ایالات و ولایات ایران، مدارس که توسط افراد و شخصیت‌های همان منطقه تحت عنوان مدارس ملی دائر شد اگر نه نقش برتر را در توسعه مدارس ایفا کرد حداقل همپای مدارس دولتی نقش موثری در توسعه آموزش نوین داشتند. در چند مورد که افرادی در سنندج و سقز اقدام به تأسیس مدارس ملی کردند عمر آنها بیش از یکی دو سال نکشید. در واقع تنها نمونه موفقیت آمیز مدارس ملی در ایلات کردستان مربوط به اقلیت‌های دینی بود. چرایی و چگونگی این امر در حوصله پژوهش حاضر نیست و خود پژوهش مستقلی را می‌طلبد.

در سال ۱۳۰۰/۱۹۲۲ تلاش‌های موفقیت‌آمیزی برای تأسیس مدرسه در بیجار و سقز در جریان بود. به دنبال آن و در نتیجه خریداری یک حیاط از جانب حکمران کردستان و نیز تهیه اثاثیه مدرسه از جانب آقا سیدمحمد از رجال بیجار این شهر هم دارای یک باب مدرسه شد. (ساکما، ۲۸۹۷۳-۲۹۷، ص ۱۱) شهاب‌الدوله حکمران کردستان در سال ۱۳۰۱/۱۹۲۳ در نامه‌ای به وزارت معارف و اوقاف، توجه بیشتر این وزارتخانه به معارف سقز و اختصاص بودجه‌ای برای تأسیس مدارس در این شهر را خواستار شد. (ساکما، ۲۸۹۷۳-۲۹۷، ص ۱۳) به دنبال آن و در نتیجه تلاش‌های مستمر صدرالعلماء نماینده معارف سقز، مدرسه احمدیه نیز در این شهر تأسیس شد. (ساکما، ۲۸۹۷۳-۲۹۷، ص ۱۹) با تأسیس مدارس احمدیه سقز و آلیانس بیجار تعداد مدارس کردستان در سال ۱۳۰۲/۱۹۲۴ به هفت باب رسید. (ساکما، ۲۴۴۷۹-۲۹۷، ص ۳۶) جدول شماره ۱

جدول شماره ۱ مدارس و دانش‌آموزان کردستان در سال ۱۳۰۲

نام مدرسه	محل	دولتی / ملی	پسرانه	دخترانه	تعداد
احمدیه	سنندج	دولتی		-	۷۰
اتحاد	سنندج	دولتی		-	۶۰
احمدیه	سقز	دولتی		-	۴۸
احمدیه	بیجار	دولتی		-	۸۰
آلیانس	سنندج	ملی		-	۱۲۰
کلدانیان	سنندج	ملی		-	۱۵
آلیانس	بیجار	ملی		-	۳۵

مجموع دانش‌آموزان کردستان در این سال ۴۲۸ نفر بود. در حالی که آمار دانش‌آموزان کشوری در همان موقع در حدود ۵۵ هزار نفر بود. (ایوانف، ۱۳۵۷، صص ۶-۸۵) که نشان از تفاوت چشمگیر کردستان با میانگین کشوری است و نشان می‌دهد که مدارس این منطقه شرایط نابسامانی از جنبه‌های کمی و کیفی داشتند. آمار فارغ‌التحصیلان دو مدرسه دولتی احمدیه و اتحاد سنندج به خوبی نمایانگر ضعف مدارس این ایالت در دوره مورد نظر است. مجموع فارغ‌التحصیلان این دو مدرسه از سال ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۲ فقط ۳۵ نفر بود که ۱۸ نفر از مدرسه احمدیه و ۱۷ نفر از مدرسه اتحاد بودند. (ساکما، ۲۴۴۷۹-۲۹۷، ص ۲۸)

گزارش‌های موجود از «تأسف‌آور» بودن وضعیت معارف کردستان حکایت دارد، بی‌اطلاعی و بی‌سوادی معلمان از عمده دلایلی است که سبب شده معارف کردستان چنین خوانده شود. (ساکما، ۲۴۰/۱۵۱۰۲، ص ۶) بخش دیگر این نابسامانی به مدیریت معارف کردستان بر می‌گشت. اختلاف و رقابت بین اعتضاد الاسلام رئیس معارف و رکن الاسلام رئیس سابق معارف، هرگونه تلاش برای بهبود وضع معارف را بی‌ثمر می‌کرد. در نتیجه اختلاف و رقابت این دو، مردم شهر نیز دو دسته شده و هر یک جانب یکی از این افراد را گرفته بود. با استناد به گزارش‌های موجود، نظر مردم به رکن الاسلام مثبت‌تر بود و مفتش معارف مرکز هم وی را برای تصدی معارف ایالت صالح‌تر می‌دانست (ساکما، ۲۹۷/۳۷۴۴۳) اما از آنجا که هر اقدامی از جانب هر یک از این دو، حال چه مثبت و چه منفی، مورد مخالفت طرف مقابل قرار می‌گرفت، تداوم این رویه مانعی جدی در توسعه مدارس کردستان ایجاد کرده بود. برای جلوگیری از این امر و سر و سامان دادن به وضعیت موجود، مفتش مالیه به وزارت معارف توصیه نمود «دست هر دو نفر از معارف این حدود برای همیشه کوتاه» شود و شخص ثالثی عهده‌دار این سمت گردد تا بدین طریق وی «بدون رعایت توصیه‌ها و... از نقطه نظر طرز زندگانی و اخلاقی موجود» معارف کردستان را اصلاح نماید. (ساکما، ۲۷۵۱۴-۲۹۷، ص ۱۹) دخالت و تسلط این دو در معارف کردستان زیاد بود تا جایی که وابستگان آنها بدون تخصص لازم معلمی، به عنوان معلم استخدام شده بودند. در نتیجه با افرادی خارج از گروه خویش به سختی کنار می‌آمدند. برای نمونه در همین سال اعتضاد الاسلام رئیس معارف کردستان، عبدالباقی خان معلم ریاضیات و موسس مدرسه اتحاد سنندج را به دلیل اختلاف‌ها و ضدیت‌هایی که بین این دو بروز کرد از خدمت و مدیری مدرسه اتحاد اخراج و برادر خویش را به جای وی به مدیری مدرسه گماشت، کار تا جایی پیش رفت که به تکفیر عبدالباقی خان از جانب علما پرداخت و عبدالباقی خان مجبور به ترک شهر و رفتن به سلیمانیه عراق گردید و مدتی در آنجا ماندگار شد تا اینکه بنا به درخواست شریف‌الدوله حکمران کردستان مجدداً به معارف کردستان مراجعت کرد. وی قبل از تأسیس مدرسه اتحاد، در بغداد و بصره هم چندین مدرسه تأسیس کرده بود. (ساکما، ۲۷۵۱۴ / ۲۹۷، ص ۳)

۴. روند توسعه مدارس

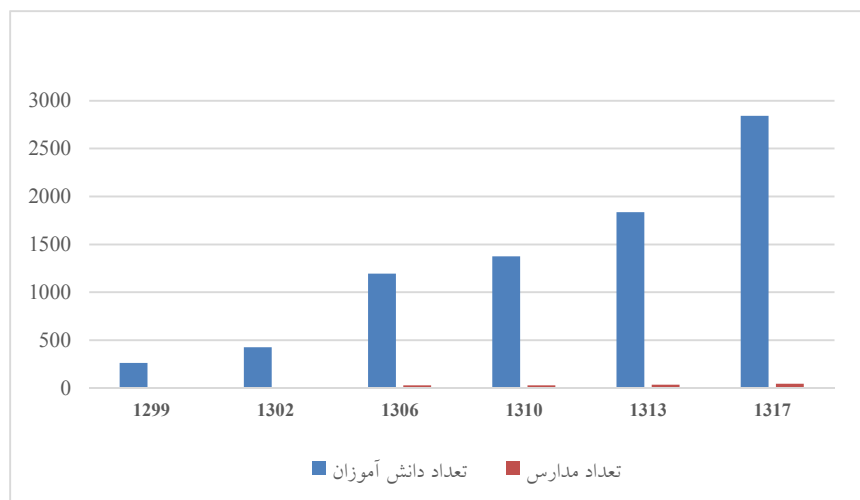
اولین برنامه مدون و مکتوب توسعه مدارس کردستان «تشکیل شورای عالی معارف» در سال ۱۹۱۹/۱۲۹۸ به دستور شریف الدوله حکمران وقت کردستان بود. هدف اصلی این شورا «بسط و نشر معارف در کلیه خاک کردستان و نظارت در حسن جریان تعلیم عمومی و تشویق ارباب دانش و کارکنان معارف و مساعدت در اجرای تصمیمات و مقررات» وزارت معارف بود. (ساکما، ۵۷۱۲/۲۹۷) اما در عمل این شورا تأثیری در توسعه کمی و کیفی معارف این حدود نداشت و تنها مدرسه‌ای که از زمان شکل‌گیری شورا و البته بدون دخالت آن تا ۱۹۲۷/۱۳۰۶ تأسیس شد، آموزشگاه مستوره بود. این مدرسه که اولین مدرسه دخترانه کردستان بود، در سال ۱۹۲۳/۱۳۰۲ از سوی مریم اردلان تأسیس شد و در سال ۱۹۲۷/۱۳۰۶ به شاهدخت تغیر نام داد. (سالنامه معارف کردستان، ۱۳۱۶: ۲۶)

توسعه کمی مدارس کردستان از سال ۱۹۲۷/۱۳۰۶ آغاز شد و در دو ساله آغازین آهنگی شتابان داشت. به طوری که تعداد مدارس کردستان در سال ۱۹۲۹/۱۳۰۸ به ۲۸ باب رسید. همه این مدارس ابتدایی بودند و ۲۵ باب پسرانه و یک باب دخترانه بود. مدرسه کلدانیان در سنندج و دو شعبه مدرسه آلیانس سنندج و بیجار هم مربوط به اقلیت‌های دینی بود. (ساکما، ۱۰۲۵۱/۲۹۷، ص ۱۱) مجموع دانش‌آموزان کردستان در این سال به ۱۱۹۴ نفر افزایش یافت. (ساکما، ۱۰۲۵۱/۲۹۷، ص ۱۶) همچنین تنها مدرسه متوسطه کردستان در این سال پسرانه با ۲۳ دانش‌آموز بود. (ساکما، ۱۰۲۵۱/۲۹۷، ص ۱۸) از ۱۹۲۹/۱۳۰۸ تا سال ۱۹۳۱/۱۳۱۰ مدارس این حوزه از لحاظ کمی تغییری پیدا نکرد اما به تعداد دانش‌آموزان افزوده شد، در مجموع ۱۳۱۵ دانش‌آموز در این مدارس مشغول تحصیل بودند که ۸۲۷ نفر آنها در مدارس سنندج و ۴۸۸ نفر در سایر مدارس استان مشغول تحصیل بودند. از این تعداد ۱۷۷ نفر دختر و ۱۱۳۸ نفر پسر بودند. مدرسه متوسطه شاهیپور سنندج تنها مدرسه متوسطه استان، پسرانه بود و ۵۰ نفر دانش‌آموز داشت. کردستان در این زمان دارای ۵۰۷ طلبه بود که در ۲۴ مکتب خانه مشغول تحصیل بودند. (ساکما، ۱۱۰۰۶/۲۹۷، ص ۳)

در سال ۱۹۳۴/۱۳۱۳ مجموع مدارس کردستان به ۳۵ باب افزایش یافت از این تعداد ۸ باب در شهر سنندج دایر بود. در مجموع استان دارای ۱۸۳۷ دانش‌آموز بود. که ۱۱۵۷ نفر از آنها در مدارس سنندج مشغول تحصیل بودند و سهم سایر شهرها و بخش‌ها و روستاهای استان ۶۸۰ نفر بود. (ساکما، ۸۹۵۰/۲۹۷، ص ۹۱) روند رو به رشد توسعه کمی مدارس و

دانش آموزان در کردستان ادامه یافت (جدول شماره ۲) به طوری که در سال تحصیلی ۱۳۱۷-۱۳۱۶ / ۱۹۳۸-۱۹۳۷ مدارس این استان به ۴۶ باب افزایش یافت. در کنار آن تعداد دانش آموزان هم نسبت به گذشته رشد چشمگیری یافت. به طوری که در این سال دو باب دبستان به مدارس سنج اضافه شد. تعداد دانش آموزان به ۱۴۸۶ نفر افزایش یافت از این تعداد ۱۱۴۲ نفر دانش آموز پسر و ۳۴۴ نفر دختر بودند. در همین سال مدارس ابتدای سایر نقاط استان به ۳۶ باب افزایش یافت تعداد دانش آموزان ابتدایی سایر نقاط استان (شهرها، بخش ها و روستاها) به ۱۳۵۷ نفر رسید.. (ساکما، ۸۸۸ / ۲۹۷ / ۹۱، ص ۲۲) با وجود توسعه سریع و کمی مدارس نوین این حوزه، اما تناسب چندانی از جنبه توزیع و پراکندگی مدارس در سطح ایالت وجود نداشت. بررسی اسناد، بیانگر تفاوت چشمگیر نحوه پراکندگی مدارس و دانش آموزان در مرکز ایالت، شهرها و قصبه ها و روستاها است. (ساکما، ۲۹۷ / ۱۰۲۵۱، ص ۱۳)

جدول شماره ۲- نمودار توسعه کمی مدارس و دانش آموزان کردستان از ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۸



۵. محدودیت‌های توسعه مدارس نوین

با تصویب قانون شورای عالی معارف تمام امور اجرایی مدارس؛ مانند برگزاری امتحانات، تهیه برنامه های درسی و آموزشی و تشخیص صلاحیت علمی و اخلاقی معلمان، به این شورا واگذار شد. به سفارش این شورا مقرر شد با بررسی نظام آموزش و پرورش کشورهای

اروپایی، الگویی برای نظام آموزشی کشور انتخاب گردد. سرانجام سیستم آموزش مدارس فرانسه به عنوان الگوی مدارس ایرانی پذیرفته شد. در سال ۱۳۰۵/۱۹۲۶ وزارت معارف بر آن شد تا تعلیمات اجباری عمومی را در سطح کشور اجرا کند. (همراز، ۱۳۷۹، ص ۴۴) لازمه این کار در درجه نخست ساخت و تأسیس مدارس در نقاط مختلف کشور بود، این امر با موانع چندی در کردستان مواجه بود؛

۱. تأمین بودجه: اولین مانع جدی این سیاست تأمین بودجه بود. برای رفع این مانع تلاش‌هایی صورت گرفت. در ابتدا مجلس شورای ملی لایحه‌ای مبنی بر اختصاص نیم درصد از مالیات اراضی به مدارس ابتدایی تصویب نمود. اما این لایحه هم جوابگوی بودجه لازم برای توسعه مدارس نبود و موضوع «بودجه» یکی از موانع اصلی توسعه مدارس در دوره پهلوی باقی ماند هر چند که نقش آن در دهه اول سلطنت رضاشاه پررنگ‌تر بود. معمولاً محدودیت بودجه اجازه توسعه مدارس بیشتر و نیز استخدام معلمان جدید را نمی‌داد. چرا که هم حقوق معلمان و هم هزینه ساخت و تعمیر مدارس و تهیه اثاثیه، از بودجه تعیین شده معارف پرداخت می‌شد و بودجه تعیین شده هم به زحمت تکافوی هزینه‌های موجود مدارس را می‌داد. (روزنامه کوشش، ۳۰ مهر ۱۳۱۰ شماره ۲۱۹، ص ۳) بودجه تشکیلات معارفی غرب کشور در سال تحصیلی ۱۳۱۰/۱۹۳۱ به قرار ذیل بود. جدول شماره ۳ (روزنامه کوشش، ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۵۰ شماره ۲۳۵، ص ۲)

جدول شماره ۳- بودجه تشکیلات معارفی غرب در سال ۱۳۱۰

مبلغ ماهیانه به قران	حوزه
۲۰۵۲۰	همدان
۳۷۷۵۰	کرمانشاه
۹۶۳۰	بروجرد
۱۹۸۰۰	کردستان
۲۲۳۰	تویسرکان
۲۸۴۰	خرم آباد
۲۳۰۰	بیجار
۵۱۹۰	ملایر
۲۴۶۰	نهایند

در آغاز سلطنت رضاشاه بودجه معارفی کردستان فقط به دو باب مدرسه اتحاد و احمدیه سنندج اختصاص داشت و در واقع بودجه دولتی معارف کردستان توان اداره بیش از دو مدرسه را نداشت، در حالی که در همین دوره دو مدرسه دولتی دیگر هم در کردستان دائر بودند، اما بودجه معارفی به آنها تعلق نمی‌گرفت و در مقابل درخواست آنها، اطلاع داده شد که هیچ‌گونه بودجه دولتی به مدرسه سقز تعلق نخواهد گرفت و می‌بایست از عوائد محلی بودجه مدرسه تأمین شود. (ساکما، ۲۸۹۷۳/۲۹۷، ص ۵) بودجه معارفی کردستان نه تنها توان توسعه کمی مدارس را نداشت، بلکه در اداره وضع موجود هم ناتوان بود. (روزنامه کوشش، ۳ شعبان ۱۳۴۳، شماره ۲۴، ص ۲) از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۶ توسعه مدارس نوین در کردستان به کندی پیش می‌رفت.

۲. بی‌نظمی در دائر کردن مدارس: مانع دیگر توسعه مدارس که ارتباط مستقیمی با بودجه داشت بی‌نظمی در دائر کردن مدارس بود. هر چند که مطلوب آن بود در هر یک از روستاها و بخش‌ها مدارس تأسیس گردد اما محدودیت بودجه، اجازه چنین کاری را نمی‌داد و توسعه مدارس نیازمندی زمان بود. با این وجود مدارس موجود هم اکثراً بدون مطالعه و بدون در نظر گرفتن شرایط محلی دائر شده بودند. در حالی که محدودیت بودجه معارف ایجاب می‌کرد که توسعه مدارس با مطالعه و شناخت انجام پذیرد اما عملاً برنامه مشخصی برای این کار وجود نداشت به عبارت دیگر همین بودجه محدود هم «مطابق احتیاجات محلی تنظیم نشده بود». برای نمونه مدارس دیواندره و دهگلان با صرف ماهیانه بیش از ۸۶ تومان بودجه معارفی کردستان به ترتیب دارای ۷ و ۲۰ نفر دانش‌آموز بودند این مقدار هزینه از بودجه محدود معارفی برای این تعداد دانش‌آموز بسیار زیاد بود به همین منظور رئیس معارف پیشنهاد داد «بودجه دو باب مدرسه مزبوره را بر حسب احتیاجات محلی تنظیم و مازاد آن را برای یک باب مدرسه دو کلاسه جهت اورامان تخصیص» دهند. (ساکما، ۱۰۵۸۸/۲۹۷، ص ۱) وزارت اوقاف با این درخواست موافقت نمود. (ساکما، ۱۰۵۸۸/۲۹۷، ص ۱) بی‌نظمی در دائر کردن و تأسیس مدارس در قصبات و روستاها نمود بیشتری داشت. همین امر سبب انتقادات و پیشنهادهایی برای انتقال مدارس به نواحی مستعدتر و پرجمعیت‌تر گردید. در سال ۱۳۰۸/۱۹۲۹ یک مدرسه چهار کلاسه در روستای طاء دائر بود که جمعا ۲۵ نفر دانش‌آموز داشت، پیشنهاد شد مدرسه مزبور دو کلاسه و به روستای بیساران منتقل شود. دیگر اینکه مدرسه چهار کلاسه باشماق هویاتو ۱۰ و مدرسه

خورخوره ۱۳ نفر دانش آموز داشت کلاس چهارم هر دو مدرسه را منحل کردند و پیشنهاد شد مدرسه هوباتو به بلوک فیض الله بیگی انتقال یابد. (ساکما، ۲۳۰۸۹-۲۹۷، ص ۱)

۳. نبود معلمین کافی: یکی دیگر از موانع مهم توسعه کمی و کیفی مدارس کردستان در این برهه، نبود معلم بود. علی رغم محدودیت بودجه و بی نظمی در دائر کردن مدارس، برخی از مالکان، بزرگان و حتی سران عشایر اعلام آمادگی کردند در قبال تأسیس مدارس در حوزه آنها، یک سری از هزینه ها را تقبل نمایند. (روزنامه کوشش، ۸ مرداد ۱۳۰۷ شماره ۱۴۳: ص ۱) از آنجا که نبود معلمین متخصص از دیگر موانع توسعه مدارس در این حوزه بود؛ چنین درخواست هایی به نتیجه نمی رسید.

تأسیس و دائر کردن مدرسه در نواحی غیر شهری سخت تر و با محدودیت های بیشتری دست به گریبان بود. از جمله مهمترین آنها تأمین بخشی از هزینه این مدارس از جانب مردم محل بود. اگر این هزینه بنا به هر علت تأمین نمی شد و یا استمرار نمی یافت به بسته شدن دبستان می انجامید. برای نمونه در سال های ۱۳۱۵-۱۳۱۴ / ۱۹۳۵-۱۹۳۶ در روستای رستمان بخش خورخوره دبستانی تأسیس شد، اما از آنجا که مخارج این دبستان تأمین نشد، در سال ۱۳۱۶ / ۱۹۳۷ این مدرسه تعطیل گردید. (ساکما، ۶۳۴-۲۸۰-۹۱)

در نواحی ایلی و عشیره ای هم عواملی همچون:

الف: نظامی بودن منطقه به ویژه در دهه اول سلطنت رضاشاه

ب؛ اجاره ای بودن ساختمان مدارس که فاقد هرگونه ساختار مدرسه بود

از جمله محدودیت ها موانع توسعه مدارس بود.

۶. مدارس قصبات و نواحی روستایی

تا قبل از تأسیس سلسله پهلوی مدارس کردستان منحصر به مدارس شهر سنندج و یک مدرسه در سقز و دو مدرسه در بیجار بود، در سایر قصبات و نواحی روستایی کردستان هیچ مدرسه نوینی دائر نبود. بنا بر اسناد و احصائیه های موجود از سال ۱۳۰۱ / ۱۹۲۲ و پس از تأسیس مدرسه احمدیه سقز تا سال ۱۳۰۶ / ۱۹۲۷ مدرسه جدیدی در کردستان دائر نشد. در دوره رضاشاه تلاش ها برای توسعه مدارس نوین در این مناطق شروع شد و برای اولین بار در این دوره است که قصبه های کوچک و نواحی روستایی دارای مدارس به سبک نوین شدند. آغاز این روند در کردستان سال ۱۳۰۶ / ۱۹۲۷ است. در این سال دبستان

فرخی مریوان، دبستان حافظ قروه، دبستان انوری روستای رمشت (Ramesht) (ساکما، ۰۱۲۷۲۱-۲۹۷) و دبستان سراب قبحط Sarab qabaht (ساکما، ۱۱۰۰۶-۲۹۷) تأسیس شدند. در سال ۱۳۰۷/۱۹۲۸ دبستان رودکی رزاو و دبستان رونق جوانرود دائر شدند. (ساکما، ۰۱۲۷۲۱-۲۹۷، ص ۲) این روند به تدریج ادامه یافت. به علت موقعیت مهم و سرحدی پاره پیشنهاد شد از آغاز سال تحصیلی ۱۳۰۹/۱۹۳۰ یک باب مدرسه دو کلاسه در آنجا تأسیس گردد. (ساکما، ۲۳۰۸۹-۲۹۷، ص ۱۷) سال ۱۳۰۹/۱۹۳۰ دبستان دقیقی بیساران (Besaran)، در سال ۱۳۱۱/۱۹۳۲ دبستان غزالی، دبستان دزلی، دبستان رازی صلوات آباد و در سال ۱۳۱۴/۱۹۳۵ دبستان عنصری دزج (Dezej) در سال ۱۳۱۵/۱۹۳۶ دبستان الفت نودشه (Nowdeshah) و خرم هانه گرمه دائر شدند. (ساکما، ۰۱۲۷۲۱-۲۹۷، ص ۱۱)

با وجود گسترش کمی مدارس در قصبات و نواحی روستایی، این مدارس از لحاظ کیفی در سطح مطلوبی نبودند و این نقص به ویژه در نواحی روستایی نمود بیشتری داشت. در درجه اول آنچه از دبستان‌های قصبات و نواحی روستای به نظر می‌رسید شکل ظاهری آنها بود. اتاق‌هایی که برای مدارس تعبیه شده بود تاریک، مرطوب و غیر بهداشتی بود. (ساکما، ۱۶۹۱-۲۹۷، ص ۹) در نواحی شهری هم با وجودی که در برخی موارد عمارت‌های بزرگی برای مدارس اختصاص داده بودند، اما مناسب مدرسه نبود و تلاش‌هایی برای ایجاد ساختمان‌های جدید در جریان بود. (روزنامه کوشش، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۶ شماره ۴۲، ص ۱) سه مدرسه یک کلاسه در روستاهای گروس دائر بود که تعداد دانش‌آموزان آنها بین ۸ تا ۱۵ نفر بود. مشکل عمده دیگری که مدارس روستایی با آن دست به گریبان بودند، این بود که در فصل تابستان و در مواقع برداشت محصول، اولیاء بچه‌های خود را از مدرسه خارج می‌کردند و مدیران نیز تا این زمان نتوانسته بودند از خروج دانش‌آموزان جلوگیری نمایند. (روزنامه کوشش، ۸ اردیبهشت ۱۳۰۹ شماره ۸۶، ص ۲)

سن دانش‌آموزان در مدارس روستایی از دیگر مشکلات این مدارس بود. از جنبه قانونی سن پذیرش دانش‌آموزان دارای محدودیت بود. با گسترش و توسعه مدارس در روستاها و قصبه‌ها برای پذیرش دانش‌آموزان از لحاظ سنی مشکلاتی پیش آمد. به منظور

رفع این مشکل شورای عالی معارف در ۱۳ آبان سال ۱۳۱۴/۱۹۳۵ بخشنامه‌ای به ادارات معارف صادر نمود و در آن تسهیلاتی برای نواحی روستایی قائل شد بدین ترتیب که در

دبستان‌های قراء و قصبات دور دست که دیرتر... به تأسیس دبستان اقدام شده است، مدیران مدارس حداقل سن پذیرش دانش‌آموزان را هفت و حداکثر ۱۸ سال را در نظر بگیرند و با رعایت تفاوت سن، آنها را در کلاس‌های مختلف بپذیرند ولی مسئولیت دارند که شاگردان با سن‌های مختلف را در یک کلاس جای ندهند. (روزنامه کوشش، ۱۳ آذر ۱۳۱۴ شماره ۲۷۴، ص ۱)

با وجود تلاش‌هایی که صورت گرفت در دوره پهلوی اول ساختمان مدارس قصبات و به ویژه روستاها بهبودی نیافت. مدارس روستاها و قصبات کردستان در این دوره به جزء دو مورد همه اجاره‌ای بودند. در این میان فقط ساختمان مدارس روستاهای هانه‌گرمله و دبستان غزالی نوسود وقفی بود. (ساکما، پرونده شماره ۰۱۲۷۲۱-۲۹۷، ص ۲۴) دبستان‌های قصبات کوچک و روستاها دو تا چهار کلاسه با تعداد معدود دانش‌آموز بود. با وجودی که رسماً این مدارس پسرانه بودند اما در احصائیه‌های موجود مشخص می‌شود که در برخی از آنها دختران هم پذیرش شده‌اند. وضع کمی و کیفی مدارس و نیز ترکیب جنسیتی دانش‌آموزان در قصبات چندان متفاوت از نواحی روستایی نبود. جدول شماره ۴ این آمار برای سال تحصیلی ۱۳۱۷-۱۳۱۶/۱۹۳۷-۱۹۳۸ کردستان به شرح ذیل است. جدول شماره ۵ (ساکما، ۰۱۲۷۲۱-۲۹۷/۱۰۹۵-۲۹۷-۹۱/۱۱۰۰۶-۲۹۷-۸۸۸/۲۹۷-۹۱)

جدول شماره ۴- آمار مدارس قصبات کردستان در سال تحصیلی ۱۳-۱۳۱۲

نام مدرسه	محل	تعداد کلاس	پسر	دختر	جمع
فرخی	مریوان	۶	۳۷	۵	۴۲
حافظ	قروه	۵	۴۹	۵	۵۴
رونق	جوانرود	۴	۲۲	۴	۲۶
فردوسی	دیواندره	۴	۳۱	۱۱	۴۲
حکمت	سقز	-	۴	۷۱	۷۵
؟	سقز	-	۱۴	۶۲	۷۶
پهلوی	بانه	-	۱۸۳	-	۱۸۳
فارابی	بانه	-	۱۵	۲۷	۴۲

فرایند تحول و توسعه مدارس نوین کردستان ... (مطلب مطلبی) ۲۸۳

۱۰۱	۱۴	۸۷		سردشت	منوچهری
۱۰۸	-	۱۰۸		پاوه	سعدی

جدول شماره ۵- آمار دانش آموزان نواحی روستایی کردستان در سال تحصیلی ۱۷-۱۳۱۶

نام مدرسه	محل	تعداد کلاس	پسر	دختر	جمع
انوری	رمشت	۴	۱۱	-	۱۱
رودکی	رزاب	۴	۲۳	۵	۲۸
دقیقی	بیساران	۴	۳۵	۱	۳۶
غزالی	نوسود	۵	۴۱	۳	۴۴
مولوی	دزلی	۴	۲۸	-	۲۸
رازی	صلوات آباد	۴	۲۴	-	۲۴
عنصری	دزج	۴	۱۹	-	۱۹
الفت	نودشه	۴	۸۴	-	۸۴
خیام	روانسر	۳	۳۸	۳	۴۱
خرم	هانه گرمله	۳	۴۸	-	۴۸
؟	سراب قحط	۳	۱۹	-	۱۹
جامی	مرخوز	-	۱۶	۱	۱۷
نظامی	نوبهار	-	۱۵	-	۱۵
سنائی	اوباتو	-	۷	-	۷
ناصر خسرو	حسین آباد	-	۲۰	-	۲۰
خاقانی	سروش آباد	-	۶۴	-	۶۴

۷. نتیجه گیری

نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است؛

- قبل از ظهور پهلوی بسترهای فکری و مالی و... تأسیس مدارس نوین در قصبات کردستان فراهم نبود و محدود اقدامات صورت گرفته در این زمینه منحصر به سنندج،

مرکز ایالت بود. در چنین شرایطی اهمیاتی جدی از سوی حاکمان و نیز اشخاص بومی برای دائر کردن مدارس نوین صورت نگرفت.

- کردها و کردستان جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های فرهنگی و سیاسی دولتمردان پهلوی یافت، در واقع یکی از راههای همگرایی کردها با دولت مرکزی توسعه مدارس نوین تشخیص داده شد در همین راستا مدارس این حدود توسعه چشمگیری یافت تا جایی که بنابر آمار و احصائیه‌های موجود آمار کمی دانش آموزان و مدارس این حوزه از میانگین کشوری عبور کرد.

- با ترویج و توسعه مدارس نوین عرصه بر مکاتب قدیم تنگ‌تر شد به بیانی دیگر رابطه مدارس نوین و مکاتب قدیم رابطه‌ای عکس گونه بود هرچه بر تعداد مدارس نوین افزوده می‌شد تعداد مکاتب قدیم کاهش می‌یافت. در مناطقی که مدارس نوین دائر نشده بود و یا مدارس نوین جوابگوی متقاضیان نبود مکاتب رونق خویش را حفظ کرده بودند.

- استقبال از مدارس نوین و یا مقاومت در برابر آن در نواحی شهری و قصبات و نواحی روستایی متفاوت بود اما در کل مخالفت سازمان یافته‌ای با توسعه مدارس نوین نشد.

پی‌نوشت

۱. کردستان قبل از دوران سلطنت رضاشاه دارای هیجده بلوک؛ اسفندآباد، سقز، بانه، مریوان، هورامان تخت، هورامان لهن، مریوان، جوانرود، کلاترزان، کره‌وز، ژاورود و حسن آباد، گاورود، پالنگان، بيله‌وار، کرفتو، حسین آباد، خورخوره، سارال، هوباتو و قراتوره بود. (ساکما، پرونده شماره ۳۳۲-۲۹۰، ص ۸) در سال ۱۳۱۲ سردشت از ایالت آذربایجان منتزع و ضمیمه کردستان شد. (ساکما، ۲۹۷-۲۸۵۹۱، ص ۱) همچنین در سال ۱۳۱۶ و در نتیجه قانون تقسیمات کشوری کردستان به همراه کرمانشاهان، ایلام، شاه آباد، همدان و ملایر جزئی از استان پنجم شد. (روزنامه کوشش، ۱۷ مرداد ۱۳۲۰ شماره مسلسل ۴۶۷۶: ص ۱) جدای از این، کردستان از لحاظ اداری - سیاسی در دوره پهلوی اول بدون تغییر ماند. در دوره پهلوی دوم بار دیگر سردشت ضمیمه آذربایجان شد و جوانرود و اورامانات از کردستان جدا و ضمیمه کرمانشاه گردید. بنابراین حدود

جغرافیایی ایالت کردستان(کردستان اردلان) از دوره قاجار، صرف نظر از تغییرات ذکر شده با حدود جغرافیایی کنونی منطبق است.

کتابنامه

ایوانف، م. س(۱۳۵۷). انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه آذر تبریزی، چاپ ۱، تهران: شبگیر.
تیمورزاده، مصطفی(۱۳۸۰). وحشت در سقز، به کوشش شهپاز محسنی، انتشارات شیرازه، تهران.
سالنامه معارف کردستان، (۱۳۱۶) تهران، بی نا
زهیری، علیرضا(۱۳۷۹). عصر پهلوی به روایت اسناد، چاپ اول، قم، دفتر نشر و پخش معارف.
نووری محمدهدی (۲۰۰۶). شهویک و خهویک بستوی ژیان، پیداجوونه وه و ناماده کردنی؛ سلاح‌الدین داشتی، سلیمانی، بنکه ژین.
همراز، ویدا(۱۳۷۶). نهادهای فرهنگی در حکومت رضاشاه، مجله تاریخ معاصر ایران، سال اول، شماره اول.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران(ساکما)

پرونده‌های شماره:

۸۸۸ / ۲۹۷ / ۹۱ - ۸۹۵۰ / ۲۹۷ / ۹۱ - ۵۷۱۲ / ۲۹۷ - ۲۵۱ / ۲۹۷ - ۵۸۸ / ۱۰ / ۲۹۷ - ۱۱۰۰۶ / ۲۹۷ -
۲۷۵۱۴ / ۲۹۷ - ۲۸۹۷۳ / ۲۹۷ - ۳۷۴۴۳ / ۲۹۷ - ۶۳۴ - ۲۸۰ / ۹۱ - ۱۵۱۰۲ / ۲۴۰ / ۱۶۹۱ - ۲۹۷ -
۱۱۰۰۶ - ۲۹۷ - ۰۱۲۷۲۱ - ۲۹۷ - ۲۳۰۸۹ - ۲۹۷ - ۲۴۴۷۹ - ۲۹۷ - ۲۷۵۱۴ - ۲۹۷ - ۲۸۹۷۳ -
۲۹۷ - ۱۰۹۵ - ۲۹۷ / ۹۱ / ۳۳۲ - ۲۹۰ / ۲۹۷ - ۲۸۵۹۱ / ۲۹۷

مطبوعات

روزنامه کوشش، ۱۳ آذر ۱۳۱۴ شماره ۲۷۴ / ۱۳ فروردین ۱۳۱۶ شماره ۷۰ / ۱۴ جمادی‌الثانی
۱۳۴۷ شماره ۲۳۸ / ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۶ شماره ۴۲ / ۱۶ آبان ۱۳۰۷ شماره ۲۲۰ / ۲۹ جمادی
الثانی ۱۳۵۰ شماره ۲۳۵ / ۳۰ مهر ۱۳۱۰ شماره ۲۱۹ / ۸ اردیبهشت ۱۳۰۹ شماره ۸۶ / ۸ مرداد
۱۳۰۷ شماره ۱۴۳ / ۳ شعبان ۱۳۴۳، شماره ۲۴ / ۱۷ مرداد ۱۳۲۰ شماره مسلسل ۴۶۷۶